

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۸

چالش استعجال در عصر غیبت

صادق سهرابی^۱

چکیده

استعجال یکی از چالش‌های دوران طولانی عصر غیبت است که در آن افراد با شتاب‌ورزی به دنبال تحقق امر و حکومت معصوم هستند و هیچ توجهی به فراهم‌سازی زمینه‌ها و مقدمات و شرایط آن ندارند و بدین‌سان خود را به هلاکت روانه می‌سازند.

این پژوهش برای تحلیل این چالش براساس روایات به ریشه‌های آن پرداخته و در مقابل آن در تحلیل راه تحقق امر و حکومت معصوم از زبان روایات گامی برداشته است. راه تحقق حکومت معصوم از طریق توجه به غایت و مرحله کمالی جامعه ایمانی است تا با رسیدن آن زمینه‌هایی فراهم شود و بدون چالش‌های توقیت و استعجال و استبطاء و در پرتو انتظار با طی مراحل پنج‌گانه احیای امر به هدف حکومت معصوم دست یابیم.

واژگان کلیدی

استعجال، استبطاء، انتظار، احیاء امر، چالش، تحمل امر، تولی.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم.

مقدمه

شتاب خواهی و استعجال یکی از چالش‌های اعتقادی و فرهنگی دوران عصر غیبت است که جامعه شیعی با آن روبه‌رو است. به همین منظور است که روایات فراوانی از امامان هدایت به آن پرداخته‌اند. و هلاکت مستعجلان را هشدار داده‌اند. از این رو برای مصون‌سازی جامعه باورمندان نیازمند به تحلیل درستی نسبت به چالش استعجال و ریشه‌ها و خطرات آن هستیم. پژوهش پیش‌رو بر آن است که براساس تحلیل محتوایی روایات از فرایند شکل‌گیری استعجال و خطرات آن دریچه‌ای را فراروی اندیشه‌ورزان بگشاید. و تصویری درست از راه برون‌رفت آن به نمایش بگذارد و با بر حذر داشتن از چالش‌های توقیت و استعجال و استنباط از طریق تبیین صحیح در حوزه مفهومی انتظار، همگان را به فسطاط و خیمه انتظار دعوت نماید.

مفهوم‌شناسی

یکی از چالش‌های عصر غیبت استعجال است. استعجال برای تحقق امر معصوم و حکومت الهی. و استعجال طلب عجله و رغبت است از خود یا دیگری «والاستعجال هو طلب العجله و الرغبة، سواء كان الطلب عن نفسه او عن غيره» (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم) عجله و شتاب در اموری که هنوز وقت آن نرسیده است و مقدمات و شرایط آن فراهم نشده است در آموزه‌های دینی مذمت و نهی شده است. حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید:

وَإِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْتِكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْصَحَتْ فَضَعَّ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَأَوْفَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ؛

مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرانسیده شتاب کنی! یا در کاری که وقت آن رسیده درمانده شوی و سست شوی، و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست اصرار ورزی و ستیزه‌جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار سستی و کوتاهی کنی. تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود انجام دهی. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

حضرت در انجام هر کاری از دو بعد افراط و تفریط پرهیز داده‌اند. انسان در برخورد با امور یا حالت عجله و شتاب دارد که این همان حالت افراط است. و یا حالت تسقط و سستی و درماندگی و سهل‌انگاری که همان تفریط است. حضرت در ادامه می‌فرماید: یا حالت لجاجت و اصرار و ستیزه‌جویی دارد و یا حالت وهن و کوتاهی دارد. و در این جا هم لجاجت حالت افراط

است و وهن حالت تفریط .

حضرت از عجله و شتاب در امور قبل از رسیدن وقت آن و از سستی و تهاون در امور هنگام امکان و توانمندی از انجام آن پرهیز داده‌اند. و این دوگانه ناظر به دو حالت افراط (عجله در امور قبل از وقت آن) و تفریط (تهاون در امور هنگام ممکن بودن آن) در کارها می‌باشد. در دوگانه‌ی دیگر دو حالت افراط (لجاجت در اموری که ناشناخته است و چهره درهم کشیده) و حالت تفریط (وهن و سستی در اموری است که روشن و آشکارند) می‌باشد. دوگانه‌ی اول ناظر به وقت و بی‌وقت انجام دادن امور است. و دوگانه‌ی دوم ناظر به روشن و مبهم بودن امور است.

حضرت از دو افراط و دو تفریط پرهیز داده‌اند. دو افراط عجله قبل از رسیدن وقت انجام امور و لجاجت در امور ناشناخته. و دو تفریط تسقُط و تهاون در هنگام ممکن بودن امور و وهن و سستی در هنگام روشن و واضح بودن آن.

پس از پرهیز دادن و بیان سلبی نسبت به آن دوگانه‌ها؛ دوگانه‌ی دیگری را در بیان ایجابی می‌فرمایند: «فَضَعَ كُلَّ امْرٍ مَوْضِعَهُ» و «اَوْقَعَ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ»؛ هر کاری را در «موضع» و «موقع» آن انجام بده.

حضرت در نهایت می‌فرمایند:

فَضَعَ كُلَّ امْرٍ مَوْضِعَهُ وَاَوْقَعَ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ؛

پس، هر چیزی را در جای خود بگذار و هر کاری را در وقت خود انجام بده.

در انجام هر کاری توجه به «موضع» و «موقع» آن بسیار لازم و ضروری است و مکان و جایگاه هر کار و وقت و زمان انجام آن در به سرمنزل رسیدن آن نقش آفرین است.

تبیین و تحلیل استعجال و ریشه‌ها

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

وَأَخَذُوا يَمِينًا وَشِمَالًا ظَنَنَّا فِي مَسَالِكِ الْعَمَى، وَتَزَكَا لِمَذَاهِبِ الرُّشْدِ. فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ، وَلَا تَسْتَبِطُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْعُدِّ. فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ بِمَا إِنْ أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنْهَ لَمْ يَدْرِكُهُ. وَمَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرِ عَدِّ؛

آن‌ها به راست و چپ منحرف شده‌اند تا به راه‌هایی ضلالت بودند و راه‌های هدایت را رها کنند. پس، عجله نکنید برای امری که حتمی و مورد انتظار است. و چیزی که فردا آن را خواهد آورد، دیر نشمارید، چون بسیاری کسانی که برای چیزی عجله می‌کنند که

اگر به آن برسند، آرزو می کنند (ای کاش) نرسیده بودند و چه نزدیک است امروز به اوایل فردا.

انحراف به راست و چپ از آن جهت شکل می گیرد که افراد می خواهند در راه های ضلالت سیر و حرکت کنند و در آن خوش باشند و فارغ از راه های رشد و هدایت گردند (اخذ یمین و شمال) به جهت این که می خواهند در مسالک و راه های غی و گمراهی حرکت کنند و راه های رشد و هدایت را ترک و رها کنند، دچار شتاب و عجله می شوند و پیوسته به یمین و یسار می زنند و به چپ و راست منحرف می شوند و هیچ ثباتی نخواهند داشت؛ زیرا راه های گمراهی را برگزیده اند که باطل اند و از هیچ ثباتی برخوردار نیستند و از راه های رشد و هدایت خود را جدا کرده و تارک آن شده اند که حق و با ثبات است.

بنابراین افرادی که هدایت گریزند و بر اساس اصول هدایت و رشد مناسبات خود را تنظیم نمی کنند گرفتار شتاب و عجله می شوند و به چپ و راست منحرف می شوند. از همین رو است که حضرت در ادامه می فرماید:

فَلَا تَسْتَعْجِلُوا مَا هُوَ كَائِنٌ مُرْصَدٌ، وَلَا تَسْتَبْطِنُوا مَا يَجِيءُ بِهِ الْغَدُ؛

پس، عجله نکنید برای امری که حتمی و مورد انتظار است و چیزی که فردا آن را خواهد آورد، دیرنشمارید.

بنابراین عجله و استعجال ریشه در سیر و حرکت در راه های گمراهی و ترک راه های رشد دارد. این «مذاهب الرشد» و راه های رشد و هدایت است که حرکت و نحوه حرکت را برای ما و اقدام و عدم اقدام و زمان آن را برای ما تبیین و آشکار می سازد. تا دچار شتاب زدگی و انحراف نشویم و از طرف دیگر روشن می سازد دچار آسیب «استبطاء» هم نشویم و هر آن چه را که آینده و فردا خواهد آورد دیر و کند به حساب نیاوریم.

حضرت توضیح می دهد که چرا نباید گرفتار چالش استعجال شد:

فَكَمْ مِنْ مُسْتَعْجِلٍ بِمَا إِنْ أَدْرَكَهُ وَذَّأَنَّهُ لَمْ يُدْرِكْهُ؛

چون بسیارند کسانی که برای چیزی عجله می کنند که اگر به آن برسند، آرزو می کنند که (ای کاش) نرسیده بودند.

و چرا نباید در دام چالش «استبطاء» اسیر شد:

وَمَا أَقْرَبَ الْيَوْمَ مِنْ تَبَاشِيرِ غَدٍ؛

زیرا، چه نزدیک است امروز به اوایل فردا.

از بیان حضرت به دست آمد که چالش استعجال و استبطاء حاصل به چپ و راست زدن و حرکت در راه‌های گمراهی و ترک راه‌های هدایت است.

استعجال به مثابه کشت در زمین دیگران

در بیان زیبایی حضرت در خصوص آسیب استعجال این گونه می‌فرماید:

هَذَا مَاءٌ آجِنٌ، وَلُقْمَةٌ يَعْصُ بِهَا أَكْلِهَا. وَجُتِنِي الثَّمَرَةَ لِغَيْرِ وَفْتٍ إِنْبَاعِهَا كَالزَّرْعِ بِغَيْرِ
أَرْضِهِ؛

این آب گندیده و لقمه‌ای است که خورنده‌ی آن گلوگیر می‌شود. و کسی که بخواهد میوه را قبل از رسیدن آن بچینند، به کشاورزی می‌ماند که در غیر زمین خود کشت می‌کند. (نهج البلاغه، خطبه ۵)

بنابراین انسان مستعجل بدون فراهم بودن زمینه‌ها و شرایط امور با شتاب دست به کار می‌شود و زمین دیگران و دشمنان را آباد می‌سازد و آسیاب دیگران را می‌چرخاند و خود و دیگران را به زحمت و خطر می‌افکند.

در مورد آسیب و چالش «استبطاء» هم در آموزه‌های ما گفته شده که دچار قساوت قلب و کوتاهی در انجام وظیفه می‌گردد که در جای خود باید به آن پرداخته شود.

تحقق حکومت در پرتو بلوغ مردم

مہزم پدر ابراهیم می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام از سلاطین آل فلان (بنی عباس) سخن به میان آوردیم حضرت فرمود:

أَمَّا هَلِكُ النَّاسِ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرَ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ، إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ غَايَةٌ
يَنْتَهَى إِلَيْهَا، فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا وَلَمْ يَسْتَأْخِرُوا (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۴۵، ح ۷)؛
مردم به واسطه شتاب‌شان برای این امر هلاک گشتند. همانا خدا برای شتاب‌بندگان، شتاب نمی‌کند، برای این امر پایانی است که باید به آن برسد، و اگر مردم به آن پایان رسیدند ساعتی پیش و پس نیافتند.

وقتی مردم بدون فراهم ساختن زمینه‌های امر و حکومت امام استعجال و شتاب ورز در آن باشند هلاک خواهند شد. زیرا خدا تابع عجله و شتاب مردم نمی‌باشد. امر و حکومت معصوم شرایطی دارد و مقدماتی دارد که باید به مرحله کمالی شرایط و مقدماتش برسد. و این شرایط و مقدمات هم از ناحیه مردم است. از همین جهت است که بلافاصله می‌فرماید:

فلو قد بلغوها لم يستقدموا و لم يستأخروا؛

اگر مردم به این غایت و مرحله کمالی برسند ساعتی پس و پیش نیافتند.

تحمل ولایت در پرتو آزمون قلبی

این که امر و حکومت معصوم غایت دارد به چه معنا می باشد؟

یعنی این که امر و حکومت امام معصوم علیه السلام چه وقت شکل می گیرد. در چه شرایطی و با چه مقدماتی زمان تحقق آن فراهم می شود. چه تحول و انقلابی در مردم به وجود آید زمینه های آن آماده می گردد. و این خود مردم هستند که باید به آن مرحله و غایت برسند و بلوغ بیابند. تا نیاز به هیچ تقدیم و تأخیر از آن نداشته باشند و جایی برای استعجال نماند. این نکته مهم و اساسی همان چیزی است که در روایات ما به آن پرداخته شده است:

ان امرنا صعب مستصعب لا یحتمله الا ملک مقرب اونی مرسل او مؤمن امتحن الله قلبه بالایمان (مجلسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ۷۱، ح ۳۰)؛

امر و حکومت ما سخت و سختی آفرین است که فقط ملک مقرب یا نبی مرسل و یا مؤمنی که خداوند متعال قلبش را آزموده است می تواند آن را تحمل کند.

جامعه ایمانی در پرتو فرآیند امتحان و آزمون قلبی خود اگر به مقام و مرحله ی تحمل امر و حکومت و ولایت امام معصوم برسد؛ به غایت امر و حکومت معصوم دست یافته است. و این مهم بدون گذار از مراحل تمییز، تمحیص و غربال جامعه ایمانی امکان پذیر نمی باشد. زیرا سقف مستحکم حکومت سخت و سختی آفرین نیازمند به پایه های مستحکم در تراز آن می باشد.

ولایت پذیری اساس جامعه حزب الله غالب

در سوره مائده آمده:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (مائده: ۵۵-۵۶)؛

پس از آن که ولایت را منحصر در خدا و رسول و امامان می داند و اعلام می کند؛ در آیه بعد می فرماید اگر مردم تولی خدا و رسول و امامان هدایت را پذیرفتند و ولایت پذیر شدند؛ جامعه حزب الله شکل می گیرد. و سپس به غلبه دست می یابند و غالب و پیروز خواهند.

کانون بحث در ولایت پذیری جامعه است. جامعه باید انحصار ولایت را در این سه تا به طور

مشخص بفهمد و بشناسد و سپس آن را بپذیرد و ولایت پذیر باشد تا آن جامعه حزب الله غالب شکل بگیرد. بنابراین ولایت پذیری و تحمّل ولایت، غایت امر و حکومت معصوم است. که اگر مردم به این مرحله و غایت دست یابند آستانه شکل گیری حکومت معصوم خواهد بود.

احیای امر و راهکارها

بعضی از مجموعه روایات، احیای امر اهل بیت علیهم السلام را بر این پنج عامل متوقف کرده است بر تعلّم و تعلیم، و ذکر و مذاکره، و زیارت و تزاور و لقاء و تلاقی، و الفت و اجتماع، و حبس نفس و وقف برای خدا و امر معصوم.

از طرفی از روایات به دست می آید که:

۱. امر اهل بیت علیهم السلام، امر سخت و سختی آفرین است؛
۲. امر به معنای حکم و دستور و یا حکومت و رهبری است؛
۳. معنای احیا در زمینه سازی و سازندگی معنا می دهد.

حالا باید دید چه ارتباطی میان این عوامل پنج گانه یاد شده و حکومت و رهبری اهل بیت است و با چه توضیحی با این عوامل پنج گانه به ظاهر کم و اندک به چنین هدف بسیار بزرگ می توان دست یافت؟ در این مجموعه روایات احیای امر و احیاء ذکر و احیاء دین و احیاء قلب به هم گره خورده است. از طرف دیگر در بعضی از روایات، این تآلف و رفت و آمد و دیدار و مذاکره مؤمنین به آیه آخر سوره فتح مستند گردیده، (آیه شریفه)، و همچنان در روایاتی دیگر این همه به ولایت معصوم و ولایت خدا گره خورده است.

با توجه به آن چه گفته شد، می توان ارتباط عمیق میان مفاد آن روایات از قبیل همین رفت و آمدهای ساده و دوستی های کوچک را با تربیت مهره های کارآمد و «خلق» و «کشف» نیروها مرتبط دانست. هم چنین از این مجموعه می توان به آن چه در احیای امر و حکم و حکومت معصوم تأثیر دارد راه برد، و برای احیای امر معصوم فعال شد و به این نکته توجه داشت که امر سنگین و حکومت دینی که بصیرت و انتخاب و اتخاذ همراهان را می خواهد، ناچار این گونه سازندگی را می خواهد و به این عمق و ریشه و زمینه نیاز دارد. (وارثان عاشورا، صفایی حائری، علی، ۱۵۵-۱۵۶، ۱۳۸۰)

بنابراین چنین امر و حکومتی که سخت و سختی آفرین و صعب و مستعصب است باید پایه هایش با فرایند علم و معرفت و با ذکر و یادآوری و با حفظ و نگهداری و با زیارت و الفت و لقاء و تلاقی و با اجتماع و با حبس نفس و وقف بر امر معصوم مستحکم شود و بدون چنین

استحکام درونی به حکومت سترگ جهانی نمی‌توان دست یافت. از همین رو است که از شیعیان خواسته‌اند از طریق این عوامل پنج‌گانه احیای امر را در نظر داشته باشند و در تمامی روابط و رفت و آمدهای شان به گونه‌ای هدف‌مند زمینه‌های تربیت و کادرسازی نیروهای در تراز آن حکومت را فراهم سازند.

ریزش مستعجلان و رویش منتظران

راوی می‌گوید از امام جواد علیه السلام شنیدم که می‌فرماید:

امام پس از من، فرزندم علی است. فرمان او فرمان من، سخن او، سخن من و اطاعت او، اطاعت من است، و امام پس از او، فرزندش حسن است و فرمان او، فرمان پدرش، سخن او، سخن پدرش و اطاعت او، اطاعت پدرش است. و سپس ساکت شد. به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبر خدا امام پس از حسن کیست؟ فرمود:

إن من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر. فقلت له: يابن رسول الله لم سمي القائم؟ قال: لأنه يقوم بعد موت ذكره وارتداد أكثر القائلين بإمامته. فقلت له: ولم سمي المنتظر؟ فرمود: زیرا پس از آن که دیگر یادی از او نمی‌شود و بیش‌تر باورمندان امامتش، از عقیده به او برمی‌گردند، قیام می‌کنند. راوی می‌گوید به ایشان گفتم: و چرا «منتظر» نامیده شده است؟ فرمود:

لأن له غيبة يكثر أيامها، ويطول أمدها، فينتظر خروجه المخلصون، وينكره المرتابون، و يسهرئ بذكره المجاهدون، ويكذب فيها الوقتون، ويهلك فيها المستعجلون وينجو فيها المسلمون (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۷۸، ح ۳؛ خراز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۷۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۴۳؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۱، ح ۶۶ (با عبارت مشابه)؛ مجلسی، ۱۳۶۵ق: ج ۵۱، ۳۰، ح ۴)؛

حضرت در جواب فرمودند: زیرا او غیبتی دارد که روزگارش به درازا می‌کشد و مدتش طولانی می‌گردد و مخلصان، خروجش را انتظار می‌کشند و شک‌داران، آن را انکار می‌کنند و منکران، ذکر و یاد کردن او را مسخره می‌کنند و وقت‌گذاران درباره (ظهور) او دروغ می‌گویند. و عجله‌کنندگان در آن هلاک می‌شوند. و تسلیم‌شدگان، نجات می‌یابند.

حضرت در دوران غیبت طولانی اشاره به نوع موضع‌گیری به طیف‌ها و تیپ‌های افراد آن زمان می‌کنند:

۱. طیف مخلصان که انتظار، نوع موضع‌گیری آنان می‌باشد؛

۲. طیف مرتابون، که نوع موضع‌گیری آنان انکار است؛
 ۳. طیف جاحدون، که نوع موضع‌گیری آنان استهزاء ذکر و یادش می‌باشد؛
 ۴. طیف وقّاتون، که نوع موضع‌گیری آنان به دروغ تعیین وقت کردن است؛
 ۵. طیف مستعجلون، که نوع موضوع‌گیری آنان عجله و شتاب خواهی است؛
 ۶. طیف مسلمون، که نوع موضوع‌گیری آنان تسلیم به اوامر الهی و معصوم است.
 به نظر می‌رسد دو طیف وقّاتون و مستعجلون همان «اکثر القائلین» و بیش‌تر باورمندانی هستند که در اثر طولانی شدن غیبت گرفتار آسیب ریزش می‌شوند زیرا وقّاتون در پرتو دروغ‌پردازی و تعیین وقت ظهور کم‌کم دچار ریزش می‌شوند و مستعجلون هم در پرتو شتاب‌ورزی به هلاکت می‌افتند. همچنان که در بیان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه گذشت، روحیه و فرهنگ استعجال و استبطاء ریشه در انحراف به چپ و راست زدن دارد؛ زیرا که می‌خواهند در مسالک غی و راه‌های گمراهی سیرکنند و راه‌های رشد و هدایت را ترک و رها سازند. آن‌چه براساس هوا و هوس خویش می‌خواهند و می‌یابند ملاک حرکت‌های شان است نه آن‌چه که براساس رشد و هدایت خدا و امامان هدایت گفته شده.
 تنها طیف مسلمون هستند که تسلیم محض و خالص «مذاهب رشد» و راه‌های هدایت هستند و از خود بر آن چیزی نمی‌افزایند و نمی‌کاهند. و این تسلیم تمام عیار است که از آنان منتظران مخلص می‌سازد و مخلصانی می‌سازد که به خوبی دریافته‌اند در پرتو دوران غیبت طولانی وظیفه آنان انتظار است نه استعجال و نه استبطاء و این «تسلیم» خود نشان و علامت اخلاص و مخلص است هم‌چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

أَمَّا عَلَامَةُ الْمَخْلُصِ فَأَرْبَعَةٌ: يَسْلَمُ قَلْبُهُ، وَتَسْلَمُ جَوَارِحُهُ، وَبِذَلْ خَيْرُهُ وَكَفَّ شَرُّهُ (حرانی، ۱۳۸۲ق: ۲۱)؛

نشانه مخلص چهار چیز است: قلبی سلیم و تسلیم دارد، اعضاء و جوارحش تسلیمند، خیرش به دیگران می‌رسد و از بدی خوددار است.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

... وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا مَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (صدوق، ۱۴۰۵ق: ج ۱، باب ۳۱، ح ۷)؛

... و اما غیبت دیگر طولانی می‌شود تا به غایتی که بیش‌تر معتقدین به آن امام از این امر بازگردند و بر آن ثابت نمانند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و

در دلش حرجی از آن چه حکم می‌کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.

بنابراین تنها طیف مخلصان هستند که در انتظار خروج حضرت هستند و منتظر حقیقی هستند و برای مخلصان هم علامت و نشان وجود دارد که همان تسلیم جوانح و جوارح آنان است. مخلصان بدون شاخص تسلیم قلبی و تسلیم جوارحی و در تمامی رفتار خود نشانی از اخلاص نخواهند داشت. از همین جهت است که تنها طیف مسلمون در دوران طولانی عصر غیبت به نجات راه می‌یابند و مخلصانه با فرهنگ انتظار در حال آماده باش به سر می‌برند. و در تمامی عرصه‌های لازم به تمهید و تهیه می‌پردازند و به سازندگی و توانمندسازی و کارآمدی‌های موردنیاز جامعه منتظر در تراز ظهور و حکومت جهانی حضرت توجه دارند و پیوسته «منتظرانه» چشم‌انداز دارند و «متوقعانه»، برای وقوع مقدمات آن تلاش دارند و «مترقبانه» به طور پیوسته فاصله بین موجود و مطلوب را رصد می‌کنند و گردن و رقبه می‌کشند و در سنگر خود دیدبانی می‌کنند. این گونه است که انتظار واقعی و مخلصانه خود را به نمایش می‌گذارند.

غیبت به منزله مشاهده در پرتو انتظار

امام سجاد علیه السلام در روایتی به ابو خالد کابلی می‌فرماید:

ثُمَّ تَمْتَدُّ الْغَيْبَةَ بَوْلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، الثَّانِي عَشْرَمِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْأُمَّةُ بَعْدَهُ. يَا أبا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَاتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ، وَأُولَئِكَ الْمَخْلُصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالِدَّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَرًّا وَجَدًّا. وَقَالَ علیه السلام: انْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ (همو: ج ۱، باب ۳۱، ح ۲)؛

حضرت به ابو خالد کابلی فرمودند: آن‌گاه غیبت ولی خدا طولانی خواهد شد او دوازدهمین از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی پس از اوست. ای اباخالد مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند. زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است و در نهایت فرمودند: انتظار فرج خود بزرگ‌ترین فرج است. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما هستند. و دعوت‌گران به دین خدای متعال در نهان و آشکارند. و در نهایت فرمودند: انتظار فرج

خود بزرگ‌ترین فرج است.

حضرت مخلصان حقیقی و شیعیان راستین در عصر طولانی غیبت را با دو ویژگی «القائلین بامامته» و «المنتظرین لظهوره» یاد می‌کنند. این دو ویژگی باورمندی امامت حضرت و انتظار ظهورش، از چنان افق معنایی بلندی برخوردار است که آنان را به برترین مردم از هر زمانی ارتقاء بخشیده است و همین دو خصوصیت است که آنان را در طول تاریخ بشر ممتاز و ویژه ساخته است. آنان نه گرفتار گرداب چالش و قاتون می‌شوند تا به دروغ‌پردازی دامن بزنند و نه گرفتار گرداب چالش استعجال می‌شوند تا خود را به هلاکت دراندازند و نه گرفتار گرداب چالش استبطاء می‌شوند تا خود را به قساوت قلب بیافکنند و ظهور را دیر و کند پندارند؛ بلکه آنان آن‌چنان در پرتو معرفت و اعتقاد به معارف امامت و فرهنگ انتظار به مرتبه‌ای از «عقول» و «افهام» و «معرفت» دست یافته‌اند که دوران غیبت طولانی در نزدشان به منزله دوران مشاهده می‌باشد. قدرت عقلانی و سنجش آنان دریچه‌های فهم‌های زیادی را به رویشان می‌گشاید و آنان را به یک نظام معرفتی مستحکمی می‌رساند که غیبت را به منزله مشاهده می‌بینند و همان‌گونه که در دوران مشاهده تحت امر امام به انجام وظایف جهاد و دعوت آشکار و پنهان به دین باید پردازند، در دوران غیبت به همان وظایف می‌پردازند و بدون هیچ استعجال و استبطایی با تمام ظرفیت به دنبال احیای امر و ایجاد زمینه‌های تحقق امر و حکومت امام خود هستند.

این اعتقاد به امامت و انتظار، آنان را به اوجی از عقول و افهام و معرفت رسانیده است که دوران غیبت به منزله مشاهده گشته و آنان را به مخلصان حقیقی و شیعیان صادق و دعوتگران آشکار و پنهان به دین خدا رسانیده است.

در این صورت است که می‌توان امر و حکومت صعب و مستعصب امام را زمینه‌سازی کرد. این مخلصان حقیقی و شیعیان صادق و دعوت‌گران هستند که همراه با علم و معرفت و با ذکر و یادآوری و با حفظ و نگهداری و با زیارت و الفت و لقاء و تلاقی و با اجتماع و حبس نفس و وقف بر امر معصوم، می‌توانند پایه‌های محکم حکومت امام معصوم را مستحکم سازند و زمینه‌هایش را فراهم کنند.

این‌گونه است که «انتظار الفرج من اعظم الفرج» می‌گردد. هم‌چنان که فرایند بارداری، خود بزرگ‌ترین بخش تولد است و بدون آن به تولد نمی‌انجامد، ظهور و فرج هم بدون انتظار و آمادگی‌ها و تحمّل ولایت و ولایت‌پذیری جامعه منتظر شکل نمی‌گیرد.

انتظار به مثابه علت تحقق فرج

در این که در انتظار فرج خود فرج است روایات زیادی آمده است و نکته بسیار مهمی را به همراه دارد و آن نکته همان توجه به حوزه مفهومی انتظار است. این واژه از آن جا که در باب افتعال استعمال شده به معنای چشم داشت و چشم انداز داشتن همراه با تلاش و زحمت برای تحصیل مقصود می باشد. همچنان که در قبل اشاره کردیم سه کلید واژه «انتظار» و «توقع» و «ترقب» در ادبیات مهدوی به کار رفته است. واژه انتظار به معنای چشم اندازنگری همراه با تلاش در آن است. واژه توقع چشم اندازنگری همراه با تلاش در وقوع مقدمات مقصود است. واژه ترقب چشم اندازنگری همراه با رقبه کشیدن و رصد کردن فاصله موجود و مطلوب می باشد. از این رو توجه به چند روایت در این حوزه مناسب می نماید:

حسن بن جهم می گوید:

سألت أبا الحسن عليه السلام عن شيء من الفرج، فقال: أولست تعلم أن الفرج من الفرج؟ قلت: لا أدري الآن تعلمني. فقال: نعم، انتظار الفرج من الفرج (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۹، ح ۴۷۱، مجلسی، ۱۳۶۵ش: ج ۵۲، ۱۳۰، ح ۲۹):

از امام کاظم عليه السلام چیزی درباره فرج پرسیدم. فرمود: مگر نمی دانی که انتظار فرج، خود فرج است؟ گفتم: نمی دانم، مگر آن که شما به من بیاموزی. فرمود: آری، انتظار فرج، خود، فرج است.

گویا راوی از فرج و چگونگی و فرایند تحقق آن و زمان آن می پرسد و حضرت در جواب می فرماید که آن فرج در پس انتظار و تلاش برای تحقق آن و ایجاد زمینه ها و آمادگی ها است که شکل می یابد و همین شرایط خودش فرج است چون بدون آن فرج شکل نمی گیرد. در روایت دیگری از ابوبصیر این چنین آمده:

قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام جعلت فداك، متى الفرج؟ فقال: يا ابابصير، وانت ممن يرید الدنيا؟ من عرف هذا الامر فقد فرج عنه لانتظاره؛

فدايت شوم! فرج، چه زمانی است؟ فرمود: ای ابوبصیر آیا تو هم از دنیا خواهان هستی؟ هر کس این امر (قیام) را بشناسد، به خاطر انتظار کشیدنش، از او گشایش می شود.

روشن می شود که گشایش جزئی و رفع مشکلات هر شخص و گشایش کلی و ظهور حضرت در گرو دو امر است: ۱. شناخت جایگاه امر و حکومت و ولایت معصوم؛ ۲. انتظار کشیدن و چشم اندازنگری همراه با تلاش در تحقق آن. (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۳۷۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق:

۳۳۰، ح ۳) پس بدون این انتظار فرج تحقق نمی‌یابد هم‌چنان که بدون علت معلول به ثمر نمی‌نشیند.

در روایت دیگر به نقل از محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام:

قال: سألتُه عن شيء في الفرج، فقال: أليس تعلم أن انتظار الفرج من الفرج؟ إن الله يقول: «فانتظروا إني معكم من المنتظرين» (يونس: ۱۰۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۳۸، ح ۵۰؛ صدوق، ۱۴۰۵، ق: ۶۴۵، ح ۴)؛

از امام رضا علیه السلام چیزی درباره انتظار فرج پرسیدم. فرمود: مگر نمی‌دانی که انتظار فرج، خود، فرج است؟ خداوند می‌فرماید: انتظار بکشید، که من نیز با شما از منتظران هستم.

هم‌چنان محمد بن فضیل در روایت دیگر از آن حضرت این‌گونه نقل می‌کند:

قال سألتُه عن انتظار الفرج، فقال: أليس تعلم أن انتظار الفرج من الفرج؟ ثم قال: إن الله تبارك وتعالى يقول: «وارتقبوا إني معكم رقيب» (هود: ۹۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۵۹، ح ۶۲)؛

از امام رضا علیه السلام درباره انتظار فرج پرسیدم. فرمود: مگر نمی‌دانی انتظار فرج کشیدن، خود، فرج است؟ سپس فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: «و چشم انتظار باشید، که من نیز با شما چشم انتظارم».

انتظار جریان پیوسته تاریخ

با تأمل در بعضی از آیات به نظر می‌رسد که در واقع تاریخ، جریان پیوسته انتظار است. انتظار دو جبهه حق و باطل تا در مصاف درگیری تاریخی خود به غلبه نهایی دست یابند و هر دو گروه با تمامی امکانات و مقدرات و تمام قد در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند؛ آن‌جا که می‌فرماید:

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ * وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (هود: ۱۲۱-۱۲۲)؛

و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو: با هر امکانی که دارید عمل کنید که ما هم عمل خواهیم کرد. و منتظر باشید که ما نیز منتظریم.

هم‌چنین آن‌جا که می‌فرماید:

﴿وَيَا قَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾ (هود: ۹۳)؛

و ای قوم من شما هر چه در توان دارید عمل کنید، من (نیز) عمل می‌کنم. به زودی

خواهید دانست که به چه کسی عذابی رسد که رسوایش کند؟ و دروغگو کیست؟ منتظر باشید که من نیز با شما منتظرم.

هر دو گروه براساس مکان و تمام امکاناتشان به صحنه می‌آیند و در مصافی سخت درگیر می‌شوند. و هر دو گروه در انتظار تحقق اهدافشان و رسیدن به حاکمیت بر زمین هستند. معلوم می‌شود که این انتظار بدون به صحنه کشاندن مکان و امکانات شدنی نیست و بدون عمل و اقدامات و ایجاد شرایط فراهم نمی‌شود؛ آن هم تمامی امکانات و ظرفیت‌ها. از همین رو است که انتظار از جنس عمل است و برترین عمل امت است؛ «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله» (صداق، ۱۴۰۵:ق: ۶۴۴، ح ۳؛ ۱۳۷۸:ق: ۲، ۳۶، ح ۸۷ [در این منبع، «فرج الله» آمده است]؛ مجلسی، ۱۳۶۵:ش: ج ۵۲، ۱۲۸، ح ۲۱) و نیز برترین جهاد امت: «افضل جهاد امتی انتظار الفرج» (حرانی، ۱۳۸۲:ق: ۳۷؛ مجلسی، ۱۳۶۵:ش: ج ۷۷، ۱۴۱، ح ۲۶)

در این پهنای تاریخی انتظار، خود خدا و تمامی انبیاء و اولیاء و مؤمنین چشم به راهند و چنین چشم‌اندازی به همراه تلاش برای تحقق هدف داشته‌اند و این سنت تغییرناپذیر الهی است. بنابراین چنین امر مهم با استعجال و استبطاء، ره به جایی نمی‌برد و فقط در پرتو صبر و تلاش و انتظار به فرجام می‌رسد؛ از همین رو است که فرموده‌اند: «و علیک بالصبر و انتظار الفرج». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹:ق: ۴، ۴۲۵؛ مجلسی، ۱۳۶۵:ش: ج ۵۰، ۳۱۷، ح ۱۴) این‌گونه است که انتظار، خود فرج است بلکه بالاتر و برتر از فرج است؛ زیرا به مثابه علت تحقق فرج است.

نتیجه‌گیری

استعجال و شتاب‌خواهی در تحقق امر و حکومت معصوم علیه السلام یکی از چالش‌های جدی عصر طولانی غیبت می‌باشد. شتاب‌خواهی در امری که هنوز وقت آن نرسیده و مقدمات و شرایط آن فراهم نشده است، در آموزه‌های دینی نهی و مذمت شده است. و در یک سفارش کلی فرموده‌اند «فضح کل امر موضعه و اوقع کل عمل موقعه»؛ که هر کاری در مکان و زمان خودش باید صورت بگیرد. و ریشه‌های استعجال و استبطاء را انحراف افراد و حرکت در راه‌های گمراهی و ترک راه‌های رشد و هدایت بیان کرده‌اند. و راه صحیح تحقق حکومت معصوم را درگام زدن همین مسیرهای رشد و هدایت می‌داند. از این رو در پرتو روایت راه رسیدن به آن حکومت متوقف بر تحقق غایت و مرحله کمالی امر معصوم می‌باشد. و غایت امر همان مقدمات و شرایط تحقق آن امر و حکومت معصوم می‌باشد که بدون فراهم‌سازی آن گرفتار شدن در چالش

شتاب خواهی و استعجال است. و هیچ گاه خداوند متعال براساس شتاب مردم، عجله نخواهد کرد. و این سنت الهی است که مردم خودشان باید به آن غایت و مرحله کمالی برسند که امر و حکومت معصوم را بخواهند: «فلو قد بلغوها» و زمینه های آن را فراهم سازند. زیرا حکومت معصوم سخت و سختی آفرین است و بدون پایه های مستحکم مردمی شکل نمی گیرد. فقط جامعه ایمانی که قلب شان آزموده شده باشد می توانند آن را تحمل کنند. از این رو نیازمند به راهکارهای تحقق تحمل ولایت جامعه ایمانی هستیم. که از آن به عنوان احیای امریاد می کنیم. که عبارت است از فرایند: تعلم و تعلیم، و ذکر و مذاکره، و زیارت و تزاور و لقاء و تلاقی، و الفت و اجتماع و حبس نفس و وقف برای خدا و امر معصوم. این عوامل پنج گانه تربیت کادرهای کارآمد آن جامعه زمینه ساز را تربیت و فراهم می سازد. و تمامی این ها فقط در سایه فرهنگ انتظار شکل می گیرد نه در استعجال و استبطاء و دیگر آسیب ها.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ابن بابويه (صدوق)، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- ابن شعبه (حرانی)، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، آل علی علیهم السلام، ۱۳۸۲ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
- راوندی (قطب الدین)، سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
- صفائی حائری، علی، *وارثان عاشورا*، قم، بی نا، ۱۳۸۰ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر*، تهران، علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۵ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.